

عنوان نشست: کرونا و عدالت آموزشی (با تأکید بر ملاحظات سیاست‌گذاری اجتماعی)

شناسنامه نشست	
واحد برگزارکننده نشست:	پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
مسئول نشست:	دکتر ستار پروین (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۰/۰۹/۱۶
اعضای هیئت علمی:	دکتر اردشیر انتظاری، دکتر علی خورسندی طاسکوه (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر جوادی پور (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر احمد نادری (عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و نماینده مجلس)
مسئله محوری نشست:	بررسی نسبت کرونا و عدالت آموزشی تأثیرات کرونا بر روند افزایش و کاهش عدالت آموزشی سیاست‌های اجرایی پیشنهادی جهت کاهش شکاف موجود از حیث عدالت آموزشی در بین گروه‌های مختلف
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	مجلس شورای اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

چکیده مباحث طرح‌شده (مقدمه، چالش‌ها و مشکلات پیش رو):

تحقق عدالت اجتماعی و ذیل آن عدالت آموزشی از آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است، پرداختن به عدالت آموزشی باید از انحای مختلف صورت پذیرد. در تعریف عدالت آموزشی به فرصت‌های برابر آحاد جامعه به آموزش اشاره می‌گردد تا افراد فارغ از پایگاه اقتصادی - اجتماعی به توفیقات آموزشی دست یابند، بر اساس این مفهوم، توانایی‌ها و استعداد‌های افراد مؤلفه اصلی در توفیقات آموزشی باشد. عدالت آموزشی ساحت‌های مختلفی دارد، یکی از این ساحت‌ها، ساحت درون کلاسی است که قلمرو

محدودی را شامل می‌شود که منحصر به کلاس و فضای آموزشی است. احساس عدالت در فضای کلاس، جنبه ذهنی دارد، دانش‌آموزان و دانشجویان تحت شرایط یکسانی قرار می‌گیرند، توزیع پاداش‌ها توسط معلم عادلانه تلقی می‌گردد و تفاوت در نمرات به دلیل توانایی‌ها و تلاش‌های آنان است در این پارادایم، توافق مبنای همکاری بین دانش‌آموز و دانشجو با معلم و استاد است؛ اما در پارادایم دیگر در فضای کلاس بین طرفین فضای سلطه وجود دارد و دانش‌آموزان و دانش‌جویان سلطه، تبعیض و تضاد را احساس می‌کنند، آن‌ها مجبور به همکاری هستند و نمره ابزار سلطه است. در هر دو پارادایم دانش‌آموزان و دانشجویان همکاری می‌کنند اما در یک پارادایم توافق و در دیگری تضاد مبنای همکاری است. در ساحت درون کلاسی عدالت آموزشی در سطح ذهنی است و در ابتدا دانش‌آموزان تصویری از آن ندارد اما در ساحت کلان عدالت آموزشی در سطح عینی است که بر اساس اطلاعات، شاخص‌ها و ویژگی‌های نظام آموزش، شکاف و نابرابری در آموزش عینی می‌گردد.

یکی از شاخص‌ها و ویژگی‌های نظام آموزشی تعیین نسبت آن نظام با موضوع عدالت آموزشی است که یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها است. یکی از بنیادی‌ترین مسائل آموزشی ایران عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی رابطه وثیقی با نظام قدرت و ثروت دارد، نخبگان سیاسی صدا و هژمونی خود را از طریق نظام آموزش پیگیری می‌کنند.

کرونا در همه عرصه‌ها و حوزه‌ها، این نظام را دچار چالش و مشکل کرده است. در پرداختن به تأثیر این بحران بر نظام آموزش و پرورش با نگاه واقع‌بینانه باید به تهدیدها و فرصت‌های ایجادشده در نظام آموزش و پرورش و اثرات آن بر ایجاد شکاف و تعمیق نابرابری در آموزش و بی‌عدالتی اجتماعی پرداخت. شاخص‌ها و آمارهای موجود از بازماندگی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف، کاهش کیفیت آموزش، سطح یادگیری دانش‌آموزان و ... حکایت دارد. تبعات ناشی از کرونا بیش‌ترین عوارض را در حوزه آموزش داشته است و نظام حاکمیت برای تحقق عدالت آموزشی همه امکانات را برای این امر مهیا نکرده است.

مهم‌ترین چالش کشور در امر آموزش، دانش و سواد استفاده از فناوری‌های دیجیتال در سطح معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان، توزیع نابرابر معلمان در بین مناطق مختلف کشور،

حذف کنش‌ها و تعاملات آموزشی در محیط مدرسه و دانشگاه، تنوع مدارس مختلف از حیث غیردولتی و غیرانتفاعی و ... است.

توضیح دقیق اهداف نشست همراه با ذکر چالش‌ها و مشکلات پیش رو و خلاصه دیدگاه‌های مطرح‌شده در این باره:

هدف از برگزاری این نشست بررسی وضعیت نظام آموزش کشور در شرایط همه‌گیری بحران کرونا از حیث عدالت آموزشی و دسترسی به آموزش در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و دلایل و اماندگی حدود ۴ میلیون دانش‌آموز از تحصیل در دوران کرونا، بهره‌مندی نامتناسب از آموزش با سطوح مختلف کیفیت و توصیه‌های سیاستی برای رفع موانع موجود و تحقق عدالت آموزشی به عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

تشریح شرایط نظام آموزش در پیش از کرونا حاکی از این موضوع است که پیش از کرونا، ایران از وضعیت خوبی در خصوص عدالت آموزشی برخوردار نبوده است. مدارس نقش ناهمگون سازی از منظر عدالت آموزشی داشته‌اند، نسبت مدارس غیرانتفاعی به مدارس دولتی در ایران در مقایسه با کشورهای سرمایه‌داری بسیار بیشتر است. در کشوری مانند آمریکا اکثر مدارس عمومی هستند اکثر دانش‌آموزان وارد آن‌ها می‌گردند و مدارس از استانداردهای لازم برای آموزش و ارتقا دانش، مهارت و امکان تحرک اجتماعی افراد در شرایط برابر صرف نظر از پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها برخوردارند. ولی در ایران وضعیت عکس این است و عدم رعایت استانداردهای آموزشی زمینه تبعیض را فراهم می‌کند. قوانین متعدد تبعیض آمیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر نابرابری‌های آموزشی و عدم تحقق عدالت آموزشی است. قوانین ارتقای شغلی موجب توزیع نابرابر معلمان در بین مناطق مختلف کشور است. بهترین معلمان در مناطق برخوردار حضور دارند و در مناطق محروم ضعیف‌ترین معلمان اعزام می‌شوند. تمرکزگرایی در تألیف کتب درسی که بیشتر متناسب با فرهنگ مرکز نشینان نوشته شده است موجب گردیده که فرهنگ اقوام متنوع و گونه‌های مختلف زبانی مورد توجه قرار نگیرد. پیش از کرونا، مؤلفه‌هایی که معطوف به عدالت آموزشی بود شامل: توانایی آموزشی معلم،

دسترسی معلمان به منابع کمک آموزشی، ساختمان و فیزیک مدرسه و فضاهای آموزشی، آشنایی عوامل اجرایی با اصول تعلیم و تربیت بوده است.

تبعات ناشی از کرونا بیشترین تأثیر را در حوزه آموزش داشته است و نظام حاکمیت برای تحقق عدالت آموزشی همه امکانات را برای این امر مهیا نکرده است. گسست بین مناطق مختلف، تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی و ... بیش از گذشته گردیده است که حاکی از فاصله گرفتن از آرمان عدالت آموزشی است. آثار و پیامدهای کرونا بر عدالت آموزشی از همه بخش‌های دیگر کشور بیشتر بوده است و تبعات آن در طی سال‌های آینده در دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان بازتاب خواهد یافت و در فرصت‌های آینده زندگی آن‌ها خود را نشان خواهد داد.

نابرابری‌های آموزشی در شرایط کرونا افزایش یافته است که شواهد فراوانی دال بر این موضوع است که تمامی آن‌ها را در دو رویکرد می‌توان مطرح ساخت:

۱. رویکرد برابرساز: نابرابری یک واقعیت است و مدرسه و دانشگاه اصلی‌ترین نهادهایی هستند که با فراهم کردن فرصت‌های مساوی برای همه دانش‌آموزان و دانشجویان در کاهش نابرابری‌های اجتماعی نقش دارند.

۲. رویکرد نابرابرساز: مدرسه و دانشگاه محیط برابرساز نیست، مدرسه و دانشگاه نابرابری‌های موجود را بازتولید می‌کنند. به عبارت دیگر، نه تنها هرم اجتماعی معکوس نمی‌شود بلکه بازتولید می‌شود. از این منظر، عدالت آموزشی را نمی‌توانیم در دوره کرونا از طریق مدارس انتظار داشت بلکه افراد و خانواده‌های برخوردار، برخوردارتر می‌شوند و سایر گروه‌های کمتر برخوردار و غیر برخوردار بیشتر به حاشیه می‌روند.

سؤال اینجاست در نظام آموزش و در سطح مدارس، کدام یک از این دو رویکرد جاری است، آیا رویکرد برابرسازی اجتماعی است و یا نابرابرسازی در تحقق حقوق اولیه و اجتماعی افراد حاکم است؟ وضعیت کرونا موجب به رو آمده لایحه‌های پنهان نابرابری‌های اجتماعی گردیده است. در شرایطی که ۳ تا ۴ میلیون دسترسی به ابزارهای هوشمند ندارند یعنی این میزان خانواده دسترسی به این امکانات ندارند. بازماندگی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف،

کاهش کیفیت آموزش، سطح یادگیری دانش‌آموزان و ... بیانگر این نکته است که همه امکانات و فرصت‌ها در اختیار آموزش و پرورش قرار نگرفته است و در این ایام شاهد افزایش بودجه آموزش و پرورش نبوده‌ایم. بسترهای جدید آموزش نیازمند بودجه خاصی بود که تأمین نگردید.

پس از کرونا مؤلفه‌هایی که در تحقق عدالت آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: دسترسی به دستگاه‌های ارتباطی لازم برای آموزش، دسترسی به شبکه اینترنت فراگیر و ثابت، هزینه‌های اینترنت و نسبت آن با سبد هزینه‌های خانواده، توانایی و مهارت دانش‌آموزان در استفاده از فضای مجازی، توانایی و قابلیت‌های آموزشی معلمان در استفاده از فضای مجازی. اطلاعات و آمارها نشان می‌دهند که در کشور این مؤلفه‌ها شرایط یکسانی ندارند در خانواده‌هایی که پدر و مادر سواد مناسب نداشته باشند و آشنایی برای استفاده از این فناوری‌ها را نداشته باشند با مشکلات متعددی روبه‌رو بوده‌اند. دسترسی به فناوری ارتباطی و دانش لازم برای به کارگیری آن نقش اساسی در عدالت آموزشی دارد که با توجه به متغیر بودن وضعیت آن در بین گروه‌های مختلف نمی‌توان انتظار عدالت آموزشی را داشت.

ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته دارای تنوع مدارس است. تنوع مدارس مختلف از حیث غیردولتی و غیرانتفاعی بودن، نیز سبب تعمیق شکاف‌ها و نابرابری در آموزش شده است. علی‌رغم محدودیت‌های آموزشی ناشی از کرونا، گروه‌هایی از دانش‌آموزان از خانواده‌های برخوردار در مدارس غیردولتی برنامه‌های آموزش منسجمی را تجربه کردند در صورتی که دانش‌آموزانی که در مدارس دولتی حضور داشتند فرصت‌های آموزشی را از دست داده‌اند. تعداد دانشگاه‌ها در ایران نیز موضوعی متفاوت از کشورهای توسعه یافته است، در دنیا یک تا دو دانشگاه است که هزینه‌های خود را از دانشجویان تأمین می‌کنند در حالی که در ایران ۹۹ دانشگاه‌های غیردولتی ۹۹ درصد هزینه‌هایش را توسط افراد تأمین می‌کند اما دانشگاه ۱۰۰ درصد تحت کنترل دولت و نهادهای آموزشی است.

برساخت بی‌عدالتی آموزشی در اثر تعامل بیشتر دانش‌آموزان در فضای مجازی و رسانه‌ای به دلیل انتشار مسائل مرتبط با بی‌عدالتی تشدید می‌شود یعنی علاوه بر گسترش بی‌عدالتی،

احساس بی‌عدالتی نیز گسترش پیدا کرده است. مدرسه و دانشگاه یک جامعه در مقیاس کوچک است و بیش از اینکه بر ساخت‌های اجتماعی تأثیر گذار باشند، تأثیر پذیر هستند.

مهم‌ترین چالش کشور در امر آموزش دانش و سواد استفاده از دیجیتال است. پایین بودن سواد مدرسان در استفاده از نرم‌افزارهای و ابزارهای دیجیتال موجب کیفیت پایین آموزش و محتواهای تولید شده و عدم توانایی برای انجام فعالیت‌های آموزشی در ارتباط با دانش‌آموزان در دوره همه‌گیری بوده است. کیفیت آموزشی در فضای تسلط کرونا اختلال دارد. نظام آموزش در مواجهه با این بحران منفعلانه عمل کرده است اما اگر دانش فناوری توسعه یافته بود نظام آموزش در زمان کمتری بر این مشکلات فائق می‌آمد. از دیگر پیامدهای کرونا حذف کنش‌ها و تعاملات آموزشی در محیط مدرسه و دانشگاه بوده است که فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را با تأخیر مواجه ساخته است.

علاوه بر تأثیرات منفی و سویه‌های نامناسب کرونا، این بیماری پیامدهای مثبتی را نیز در ارتباط با نظام آموزشی و پرورش به همراه داشته است؛ که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

در شرایط بیماری کرونا، ذخیره گسترده‌ای از ادبیات صوتی و نوشتاری ایجاد و در سطح جامعه توزیع شده است. تا پیش از کرونا بهره‌مندی از کلاس‌های اساتید محبوب و متخصص در حد دانشجویان کلاس و محدود بود اما در حال حاضر حجم قابل توجهی از دانش تولید شده است و افراد جویای دانش دسترسی و بهره‌مندی برابری از دانش تولید شده دارند و این موارد در ارتقای عدالت آموزشی تأثیر گذار بوده است.

کودکان محروم مناطق کشور از برنامه‌های تلویزیون به‌طور برابر از کودکان در مناطق توسعه یافته و مراکز برخوردار بهره‌مند شده‌اند. استفاده از معلمان باتجربه موجب ارتقای عدالت گردیده است، در شرایطی که افراد به‌طور مشترک از برنامه‌ها بهره‌مند می‌گردند احساس همانندی و احساس عدالت همانند می‌کنند که این موضوع نقش مهمی در هویت ملی دارد و همچنین تبعیض مثبت برای افرادی است که دسترسی به معلمان باتجربه ندارند. گروه‌های محروم بیشتر از سایر گروه‌ها از صداوسیما استفاده می‌کنند که این بهره‌مندی موجب ارتقای ظرفیت‌های گروه‌ها و طبقات محروم می‌گردد. ویروس کرونا سبب شد تا سایر

ویروس‌های اجتماعی از جمله نابرابری‌های اجتماعی خود را بیشتر نشان دهد که خود سبب می‌شود تا به مثابه زنگ خطر و یک هشدار در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی به این چالش‌ها توجه بیشتری شود.

توصیه‌های سیاستی:

۱. افزایش ظرفیت‌های دیجیتال و دانش فناورانه معلمان: یکی از دلایل عقب‌افتادگی نظام آموزش و پرورش در ماه‌های ابتدایی شیوع ویروس کرونا فقر صلاحیت‌ها و دانش دیجیتال معلمان بود. قرارداد ملاک‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای در استخدام معلمان و آموزش‌های ضمن خدمت در مسیر آموزشی آنان از نکات مهم در پوشش دهی این ضعف عملکردی است.
۲. افزایش بودجه نظام آموزش در مقطع ابتدایی: در طی دو سال گذشته شاهد افزایش بودجه در بخش آموزش نبوده‌ایم اگر شاهد تغییرات در تخصیص بودجه و منابع می‌بودیم میزان آسیب‌پذیری در مقطع تحصیلی مختلف از جمله مقطعه ابتدایی به شدت کاهش می‌یافت.
۳. تمرکزگرایی و افزایش اختیارات مدارس در تصمیم‌گیری‌ها: تمرکزگرایی باید در این ایام تمرین می‌شد که آیا مدارس و سازمان‌ها می‌توانند از اختیارات در سازمان‌دهی خود بهره‌گیرند یا خیر؟ باید تلاش شود تا فضای تصمیم‌گیری به سمت مدارس برود.
۴. توجه به بخش‌های آسیب‌پذیر در سیاست‌گذاری‌ها: مهیا کردن شرایط تحصیلی برای دانش‌آموزان مناطق محروم، شناسایی و اماندگان از تحصیل و هدایت سیاست‌ها به سمت این گروه‌ها از جمله اقداماتی بود که انجام نشد. در سیاست‌گذاری‌ها باید به بخش‌های آسیب‌پذیر توجه می‌کردیم تا دانش‌آموزان مناطق محروم، روستایی، عشایری و کمتر برخوردار از بودجه‌های موجود بهره‌مند می‌شدند تا کاهش در بی‌عدالتی آموزشی محقق می‌گردید.
۵. بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و منابع و مدیریت بهینه منابع: ظرفیت‌ها و امکانات بهینه بسیاری وجود دارد که استفاده نشده‌اند لذا توصیه می‌شود تا از ظرفیت‌ها و امکانات موجود به نحو بهتر و بهینه استفاده شود

۶. **شایسته‌گزینی در آموزش و پرورش:** برنامه جدی برای شایسته‌گزینی در آموزش و پرورش وجود ندارد، در تربیت معلم‌ها نقص‌ها و ایرادات جدی وجود دارد. یکی از فعالیت‌ها در ارتقای عملکرد و ظرفیت‌های معلمان، ارزیابی مستمر از توانمندی‌های آنان است. تأمین و تربیت نیروی متخصص در آموزش و پرورش دغدغه و مسئولیت کلان کشور است. ما نیازمند تدوین برنامه جامع در تأمین نیروی انسانی کارآمد از آغاز دوره معلمی تا پایان آن هستیم.
۷. **سیاست‌گذاری در توسعه عدالت آموزشی:** ایجاد مدارس باکیفیت برای همه کودکان و توجه به مناطق کمتر برخوردار باید در اولویت قرار گیرد. در کشور ما دچار آموزش نابرابر هستیم که مغایر با قانون اساسی ما است. مدل‌های کنونی در حوزه آموزش الگوبرداری و تقلید از مدل‌های ۵۰ سال پیش سایر کشورها است که تاریخ این مدل‌ها گذشته است. به لحاظ سیاست‌گذاری، تدوین برنامه کلان، مدیریت منابع و تنظیم برنامه‌های عملیاتی در تحقق عدالت آموزشی به‌عنوان یک آرمان توجه جدی صورت نگرفته است.
۸. **حمایت مالی از معلمان:** با توجه بر اهمیت نقش و جایگاه آموزش و پرورش در جامعه و تربیت نسل آینده‌ساز کشور، جایگاه آموزش و پرورش در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور باید تعریف شود و مسائل و مشکلات معیشتی معلمان با ترمیم حقوق و مزایای آنان و ارائه بسته‌های حمایتی پیگیری شود.
۹. **برنامه‌ریزی در تأمین زیرساخت‌های دیجیتال:** اگر برنامه ریزان زودتر به فکر سواد رسانه‌ای بودند و زیرساخت‌های لازم را فراهم می‌کردند کمتر شاهد این وضعیت تبعیض‌آمیز می‌بودیم. بسیاری از مشکلات ناشی از ضعف سواد رسانه‌ای است. شرایط کشور در حوزه سواد رسانه‌ای بسیار ضعیف است.
۱۰. **استقرار نگاه پویا در آموزش و پرورش:** در حال حاضر در آموزش و پرورش نگاه ایستا حاکم است که برآوردی از مسائل آینده ندارد. جهان به‌شدت در حال تغییر است و با شرایط سیال روبه‌رو هستیم لذا باید آمادگی تغییرات را داشته باشیم، این آمادگی ایجادکننده عدالت است. شرایط حال جامعه دائماً در حال تحول است، بنابراین باید برای مسائل پیش رو آمادگی لازم را داشته باشیم.

۱۱. توجه به رویکرد جامعه‌شناسانه در آموزش و پرورش: در حال حاضر رویکرد روان‌شناسانه در آموزش و پرورش حاکم است تا رویکرد جامعه‌شناسانه. ضرورت دارد لنز نگاه به موضوعات در آموزش و پرورش تغییر یابد تا رویکرد کلان‌نگرتر در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ شود، دانش‌آموزان باید برای آینده تربیت شوند و اگر برای آینده تجهیز نشوند اساساً با یکی از مشکلات که همان بی‌عدالتی آموزشی است بیشتر مواجه می‌شویم. آموزش و پرورش باید میدان تحقیق و پژوهش برای حوزه‌های آکادمیک فراهم کند و مدارس باید محل آموشد متخصّصین از جمله جامعه‌شناسان باشد.
۱۲. دسترسی به اینترنت رایگان و ارزان: جهت بهره‌مندی همه گروه‌ها از آموزش مجازی ایجاد بسترهای باکیفیت و ارزان و در مواردی رایگان اینترنت لازم و ضروری است، سهم هزینه‌های آموزش مجازی از سبد هزینه خانوار باید کاهش یابد.
۱۳. افزایش اشتیاق و مطلوبیت فضای مجازی برای دانش‌آموزان و دانشجویان: اشتیاق و مطلوبیت فضای آموزشی برای دانشجویان و دانش‌آموزان بالا نیست از این رو شاهد مشارکت پایین آن‌ها در فعالیتهای آموزشی و تکالیف مرتبط هستیم، در بسیاری از موارد این بی‌علاقگی موجب گردیده است تا خانواده‌ها عهده‌دار مسئولیت‌های آموزشی و تکالیف دانش‌آموزان گردند. ضروری است با به‌کارگیری مکانیسم‌های تشویقی و رقابتی اشتیاق دانش‌آموزان را ارتقا دهیم.
۱۴. فقرزدایی از آموزش مجازی: سرمایه‌گذاری خاص بر روی آموزش و پرورش و آموزش عالی ضروری است. نظرسنجی‌ها حاکی از این امر است که علاوه بر تعداد بسیار بالای دانش‌آموزان محروم از ابزارهای دیجیتال، در سطح دانشگاه‌ها نیز دانشجویان حتی در سطح تحصیلات تکمیلی از استفاده از PC شخصی برای انجام فعالیتهای آموزشی و پژوهشی بی‌بهره‌اند لذا تخصیص بودجه برای تأمین PC و DEVICE برای دانش‌آموزان و دانشجویان باید در اولویت برنامه‌های نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار گیرد.

۱۵. **توسعه و سرمایه‌گذاری زیرساختی^۱:** امروزه فراگیر شدن استفاده از ابزار همراه (از قبیل تلفن همراه، تبلت و غیره) باعث شده پدیده یادگیری سیار رشد بسیار سریعی برخوردار باشد. یادگیری سیار یا یادگیری مبتنی بر موبایل شیوه جدید دسترسی به محتوای آموزشی از طریق موبایل است. یادگیری سیار با کمک موبایل، دسترسی به فرایند یادگیری را تسهیل می‌کند. این کار با موبایل، لپ‌تاپ یا تبلت امکان‌پذیر است. بدین وسیله دانش‌آموزان می‌توانند در هر جا و هر زمان که بخواهند، آموزش ببینند. با ورود روش یادگیری سیار، سیستم آموزشی ما نیز باید تغییر کند تا دانشجویان عشایر و ساکن در مناطق دورافتاده از مراکز شهرها، کوچ‌نشین‌ها و ... از آموزش بهره‌مند شود؛ بنابراین لازم است آموزش و پرورش و آموزش عالی سرمایه‌گذاری زیرساختی در توسعه MOBILE LEARNING را در دستور کار قرار دهد.

۱۶. **آموزش و یادگیری ترکیبی:** تلفیق آموزش سنتی و اینترنتی فواید بسیاری در شرایط عادی برای دانشگاه‌ها و مدارس دارد. در انجام و ارائه تکالیف، ایجاد نظم علمی و آموزشی تأثیرگذار است و همچنین صرفه‌جویی در زمان آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده را به همراه خواهد داشت و در کنار آن محدودیت‌های مکانی را مرتفع می‌سازد.

۱۷. **تغییر رویکرد به آموزش:** دنیای توسعه‌یافته رویکردش به آموزش «سرمایه‌ای» است این در حالی است که در دنیای در حال توسعه معمولاً رویکرد به آموزش «مصرفی» است. در کشورهای پیشرفته بودجه آموزش تقریباً ۲۰ درصد از GDP است و در بحرانی‌ترین شرایط بودجه آموزش از این مقدار کاهش نمی‌یابد. آموزش و سرمایه‌گذاری در آموزش مصرف نیست بلکه عین سرمایه است، آموزش و پرورش مولد مبتنی بر عدالت است. اگر نگاه به آموزش سرمایه‌ای گردد آن لحظه است که مدرسه و دانشگاه ایرانی متولد می‌شود.